

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ الْخَطَأِ فِي قِرَاءَةِ الْكَلِمَاتِ:

(١) هَلْ تَتَذَكَّرُ خِيَامَ الْحُجَّاجِ فِي مِثْنِي وَ عَرَفَاتِ!

(٢) سَمَكَةُ التِّيْلَابِيَا مِنْ أَعْرَابِ الْأَسْمَاكِ تُدَافِعُ عَنْ صِغَارِهَا!

(٣) كَتَبْتُ ذِكْرِيَّاتِ سَفَرَتِي الْعِلْمِيَّةِ!

(٤) «و لَا تَهْنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ»

گزینه ٣ پاسخ صحیح است. ذکریات (ذکریات) به معنای «خاطرات» است.

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.
كم خطأً في مايلي:

الف- لا يسبب اشتعال زيوت هذه الشَّجَرَة خروج أي غازات ملوثة: متضاده «نظيف»

ب- يستخدم الزَّارِع شجرة النِّفط كسياج حول المزارع: الكلمتان مترادفان

ج- خطأً في كرة القدم: التَّسَلُّل

د- أحد الملاحين هجم على مرمي فريق برسبوليس: ترجمته «دروازه بان»

(٤) واحد

(٣) اثنان

(٢) ثلاثة

(١) أربعة

گزینه ٢ پاسخ صحیح است. موارد «الف»، «ب» و «د» اشتباه هستند.
بررسی عبارات:

الف) «ملوثة» (آلوده کننده) متضاد «نظيف» (تمیز) نیست.

ب) «الزَّارِع» (کشاورز) مترادف «المزارع» (مزرعه‌ها) نیست.

د) «مرمي» (دروازه)

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«تماشاچیان برای استقبال از بازیکنانی که از مسابقات برمی گردند با خوشحالی به فرودگاه می روند!»:

(۱) يذهبون المتفرجون إلى المطار لاستقبال لاعبين يرجعون من المباراة فرحين!

(۲) المتفرجون يذهب فرحين إلى المطار لاستقبال اللاعبين الذين يرجعون من المباريات!

(۳) يذهب المتفرجون إلى المطار فرحين لاستقبال لاعبين يرجعون من المباريات!

(۴) المتفرجون يذهبون إلى المطار لاستقبال اللاعبين الذين يرجعون من المباراة!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): يذهبون (یذهب) / المباراة (باید جمع باشد).

گزینه (۲): يذهب (یذهبون)

گزینه (۴): المباراة (المباريات) / حال ترجمه نشده (فرحين)

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ:

(۱) خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلٌّ!: كم گوی و گزیده گوی چون در!

(۲) رَبُّ كَلَامٍ كَالْحَسَامِ!: فَكَّرَ ثُمَّ تَكَلَّمَ تَسْلِمَ مِنَ الزَّلَلِ!

(۳) الْمُتَكَلِّمُ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ!: با خاموشی می توان خاموش کردن کوه را!

(۴) «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»: دو صد گفته چون نیم کردار نیست!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه جمله: گوینده با سخنش شناخته می شود، ولی در مفهوم ذکر شده، توصیه به خاموش بودن و سکوت است.

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ الْخَطَأِ:

- (۱) شاهَدت شجرة في قریتنا يبلغ ارتفاعها مئة متر! : در روستایمان درختی را دیدم که ارتفاعش به صد متر می‌رسید!
 - (۲) قرأتُ اليوم کتاباً قد اشتریتُهُ من المعرض الدَّولِيِّ! : امروز کتابی خواندم که آن را از نمایشگاه بین‌المللی خریدم بودم!
 - (۳) المعلمون يعلموننا دروساً تساعدنا في الحياة! : معلمان به ما درس‌هایی را یاد می‌دهند که ما را در زندگی کمک کند!
 - (۴) يُعْجَبُنِي عَالِمٌ يُنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ! : از عالمی که از علم او سود می‌برند، خوشم می‌آید!
- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «يُنْفَعُ»: سود برده می‌شود / «يُعْجَبُنِي»: خوشم می‌آید

عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنِ الصَّحِيْحِ:

- (١) الْأَصْدِقَاءُ قَامُوا بِجَوْلَةِ عِلْمِيَّةٍ فِي الْإِنْتَرْنِتِ مَسْرُورِينَ! : دُوسْتَانِ خُوشْحَالِ بِه سِيَاْحَتِ عِلْمِي فِي اَيْنْتَرْنِتِ پَر دَاخْتَنْد!
- (٢) كَانِ الْعَمَّالُ الشَّبَابُ يَعْمَلُونَنَا جَيِّدًا فِي الْمَصْنَعِ! : كَارْگَرَانِ جَوَانِ فِي كَارْخَانِه بِه خُوبِي بَا مَا كَارِ مِي كَرْدَنْد!
- (٣) رَأَيْتَ وَلَدًا فَرِحًا يَضْحَكُ! : پَسْرِي رَا خُوشْحَالِ دِيدَمِ كِه مِي خَنْدِيد!
- (٤) قَدْ يَذْكُرُ الْأَسْتَاذُ تِلَامِيْذَهُ الْقَدَمَاءَ! : اَسْتَاذِ گَاهِي دَانِشْ آمُوزَانِ قَدِيمِي خُودِ رَا يَادِ مِي كَنْد!

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (١): دُوسْتَانِ خُوشْحَالِ (دُوسْتَانِ بَا خُوشْحَالِي)

گزینه (٢): كَارِ مِي كَرْدَنْد (رِفْتَارِ مِي كَرْدَنْد)

گزینه (٣): پَسْرِي رَا خُوشْحَالِ دِيدَمِ (پَسْرِ خُوشْحَالِي رَا دِيدَمِ)

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«إِنَّ اللَّهَ فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْحَيِّ»:

(۱) «بی‌گمان خدا شکافندهٔ دانه و هسته است و زنده را از مرده بیرون می‌آورد و بیرون‌آورندهٔ مرده از زنده است!»

(۲) «همانا خداوند شکافندهٔ دانه و هسته است و بیرون‌آورندهٔ زنده از مرده است و مرده را از زنده بیرون می‌آورد!»

(۳) «بی‌گمان خداوند شکافندهٔ دانه‌ها و هسته‌ها است و زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده!»

(۴) «همانا خدا دانه و هسته را می‌شکافد و زنده را از مرده بیرون می‌آورد و بیرون‌آورندهٔ مرده از زنده است!»

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمهٔ کلمات مهم: «النَّوَى»: هسته / «يُخْرِجُ»: بیرون می‌آورد / «مُخْرِجُ»: بیرون‌آورنده
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): بیرون‌آورنده (بیرون می‌آورد) / بیرون می‌آورد (بیرون‌آورنده)

گزینه (۳): دانه‌ها و هسته‌ها (دانه و هسته)

گزینه (۴): می‌شکافد (شکافنده)

عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«أَتَذَكَّرُ الْحَجَّاجَ الَّذِينَ قُتِلُوا مَظْلُومِينَ فِي مِثْلِي وَ هُمْ كَانُوا مُشْتَاقِينَ إِلَى زِيَارَةِ مَكَّةَ الْمَكْرَمَةَ!»:

(۱) به یاد می‌آورم حاجیانی را که مظلومانه در منا کشتند وقتی که آنها به زیارت مکه مکرمه مشتاق شده بودند!

(۲) حجّاجی که مظلومانه در منا کشته شدند را به یاد می‌آورم در حالی که آنها به زیارت مکه مکرمه مشتاق بودند!

(۳) آیا حاجیانی را که مظلومانه در منا کشته شدند به یاد می‌آوری در حالی که آنها اشتیاق به زیارت مکه مکرمه داشتند!

(۴) حاجیان مظلومی را به یاد می‌آورم که در منا کشته شدند در حالی که آنها مشتاقانه در زیارت مکه مکرمه بودند!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «أَتَذَكَّرُ»: به یاد می‌آورم / «الْحَجَّاجَ الَّذِينَ...»: حاجیانی که... / «قُتِلُوا»: کشته شدند /

«مَظْلُومِينَ»: مظلومانه (حال) / «و هُمْ كَانُوا»: در حالی که آنان بودند...

عَيْنَ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«كان صديقى المصلح يجرّ سيارتنا معطلة بالجرارة إلى موقف تصليح السيارات!»:

(۱) دوست تعمیرکارم ماشین خراب ما را با تراکتور به سمت تعمیرگاه خودرو می‌برد!

(۲) دوستم که تعمیر است، ماشین خراب ما را با تراکتور به سمت تعمیرگاه می‌کشید!

(۳) دوست تعمیرکار من ماشین ما را در حالی که خراب شده بود با تراکتور به سمت تعمیرگاه خودرو می‌کشید!

(۴) دوستم تعمیرکار بود و ماشین ما را در حالی با تراکتور به سمت تعمیرگاه خودرو می‌کشید که خراب شده بود!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: «کان یجرّ»: می‌کشید / «صديقى المصلح»: دوست تعمیرکارم /

«معطلة»: در حالی که خراب است ← حال / «الجرارة»: تراکتور / «موقف تصليح السيارات»: تعمیرگاه خودرو

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): ماشین خراب ما (ماشین ما را در حالی که خراب شده بود) / می‌برد (می‌کشید)

گزینه (۲): دوستم که تعمیرکار است (دوست تعمیرکارم) / ماشین خراب ما (مانند گزینه ۱)

گزینه (۴): دوستم تعمیرکار بود (دوست تعمیرکارم)

عَيْنَ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«لِكُلِّ الْأَشْجَارِ الْمَعْمَرَةِ فِي الْعَالَمِ مَوَاصِفَاتٍ لَانْشَاهِدَهَا فِي الْآخِرَى!»:

(۱) هر درخت کهنسال در عالم ویژگی‌هایی دارد که در دیگری دیده نمی‌شود!

(۲) همه درختان کهنسال در جهان خصوصیتی دارند که آن را در دیگری نمی‌بینیم!

(۳) برای همه درختان قدیمی جهان خصوصیتی است که هرگز آن را در دیگری نخواهیم دید!

(۴) در همه درختان سرسبز جهان صفتی است که نمی‌توانیم آن را در دیگری ببینیم!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «كُلُّ الْأَشْجَارِ»: همه درختان / «الْمَعْمَرَةُ»: کهنسال / «مَوَاصِفَاتٍ»: ویژگی‌هایی / «لَانْشَاهِدُ»:

نمی‌بینیم / «الْآخِرَى»: دیگری

عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ .

«أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ» :

(۱) «به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت بنما و با آنان با روشی بهتر ستیز کن!»

(۲) «با حکمت و پند خوب به راه خداوند خود دعوت می کنم و با بهترین راه با آنان مجادله می کنم!»

(۳) «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگار خود فرا بخوان و با آنان به روشی که بهتر است، مجادله کن!»

(۴) «به راه پروردگارت با حکمت دعوت کن و با پند نیکو و با روشی که بهترین است با آنان مجادله کن!»

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «أَدْعُ»: فرا بخوان، دعوت کن / «سَبِيلِ رَبِّكَ»: راه پروردگارت / «الْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ

الْحَسَنَةِ»: حکمت و اندرز نیکو / «جَادِلْهُمْ»: با آنان ستیز کن / «بِآلَتِي»: با راهی که / «أَحْسَنُ»: بهتر، بهترین

عَيْنَ الْحَالِ جُمْلَةٌ اسْمِيَّةٌ:

(١) مَا تَنَاوَلْنَاهُ فِي الْعِشَاءِ هُوَ طَعَامٌ نَحْبَهُ كَثِيراً!

(٢) كَلَامُ الْمَرْءِ الْمِيزَانُ عَقْلُهُ فَهُوَ يَرْشِدُهُ إِلَى خَيْرِ سَبِيلٍ!

(٣) كَانَ الْآبُ يَبْكِي لِأَنَّهُ يَحْتَبُ أَنْ يَزُورَ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةَ وَ هُوَ كَانَ فِي الْحَجِّ فِي الْعَامِ الْمَاضِي!

(٤) يُؤْمِنُ أَبِي بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ مُعْتَقِداً بِعَفْوِ اللَّهِ!

گزینه ٣ پاسخ صحیح است. «و هو كان في الحجّ ..» حال از نوع جمله اسمیه است.

نکته: حال از نوع جمله اسمیه همراه با حرف «واو» حالیه می آید.

عین عبارتةً فيها جملة تصدّف اسم نكرة:

(۱) اجتنب عن الأقوال التي فيها احتمال الكذب!

(۲) قرأتُ آيةً من القرآن الكريم تهدي إلى أحسن طريق!

(۳) إن تُقنع الآخرين بكلامٍ لئن يستمعوا إلى كلامك!

(۴) «أرسلنا إلى فرعون رسولا فعصى فرعون رسولا»

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در این گزینه «تهدی» اسم نکره «آیه» را توصیف می کند (جملة وصفیه)، در سایر عبارات

جملة وصفیه وجود ندارد.

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ الْحَالُ:

(١) أقطع هذه المسافة البعيدة لسلامة جسمي مُسرعةً!

(٣) ساعدوا إخوانكم و هم مظلومون في اليمن!

(٤) خرجنا من قاعة الإمتحان مسرورات!

(٢) المشركون يظنون أن نهاية الإسلام قد أصبحت قريبةً!

گزینه ٢ پاسخ صحیح است. در این گزینه «قریبه» خبر است و جزء ارکان اصلی جمله است و نقش «حال» ندارد.

در سایر گزینه‌ها:

گزینه (١): «مُسرعةً» / گزینه (٣): «و هم مظلومون» / گزینه (٤): «مسرورات» حال هستند.

عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّوْضِيحَاتِ:

(۱) «وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَى»: يوجد فيها ثلاث أسماء معرفة بأل!

(۲) تلعب الطالبة بعد إتمام الدروس و هي ضاحك!: جاء فيها حال على وزن «فاعل»!

(۳) هذا فلاح مجدّ و يزرع هذه الأراضى الواسعة!: يوجد فيها جملة تصف النكرة!

(۴) المؤمنون هم الذين يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة!: ما جاء فيها واو الحالّية!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در این گزینه «واو» حالیه به کار نرفته و صحیح است.

نکته: «واو» حالیه بر سر فعل نمی آید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): در این گزینه دو تا معرفه به «ال» وجود دارد («الکذب» و «الحسنی»). [«الله» معرفه به علم است].

گزینه (۲): در این گزینه حال از نوع جمله اسمیه به کار رفته است و نقش «ضاحک» خبر است.

گزینه (۳): دقت کنید که «یزرع» بعد از «و» آمده و نمی‌تواند وصفیه باشد.

عَيْنِ الْمَبْتَدَأِ وَالْخَبَرَ لَا يَخْتَلِفَانِ فِي التَّعْرِيفِ وَ التَّنْكِيرِ:

(١) اثنان خير من واحد و ثلاثة خير من اثنين!

(٣) العمّال مشغولون بالعمل في العمل!

(٢) في بعض الأوقات الكلام أقوى من السّلاح!

(٤) السّماء تمطر على مدينتنا كثيراً هذا اليوم!

گزینه ١ پاسخ صحیح است. «اثنان» مبتدا و «خير» خبر است و هر دو منکره هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (٢): «الكلام» مبتدا و معرفه و «أقوى» خبر و معرفه است.

گزینه (٣): «العمّال» مبتدا و معرفه و «مشغولون» خبر و معرفه است.

گزینه (٤): «السّماء» مبتدا و معرفه و «تمطر» خبر و فعل است.

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ الْخَطَأِ عَنِ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ لِتَكْمِيلِ الْفِرَاقِ:

- (۱) المزرع أشجاراً مختلفة من أنواع الفواكه! (تنمو)
- (۲) كان النَّبِيُّ (ص) في غار حراءٍ الواقع في مكة! (يتعبّد)
- (۳) اشتعال بذور شجرة النَّفْطِ خروج أي غازاتٍ ملوثة! (لايسبب)
- (۴) جدّي و جدّتي! (تذكّراني)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «تنمو» (رشد می کند) مناسب این جمله نیست، فعل مناسب این جمله «یزرع» یا «یغرس» است.

ترجمه: کشاورز درختان مختلفی از انواع میوه‌ها می‌کارند.
ترجمه سایر گزینه‌ها:

- گزینه (۲): پیامبر (ص) در غار حراء واقع در مکه عبادت می‌کرد.
- گزینه (۳): شعله‌ور شدن دانه‌های درخت نفت باعث خروج گازهای آلوده‌کننده نمی‌شود.
- گزینه (۴): پدربزرگ و مادربزرگ من را به یاد آوردند.

« در تمام سختی‌های زندگی‌ام به پروردگارم پناه خواهم برد تا کمکم کند! » عین التعریب الصحیح:

(۱) سوف نلجأ إلى ربنا في كلِّ مصاعب حياتنا حتى تساعدنا!

(۲) في جميع مشاكل حياتي سألجأ إلى الله حتى أساعده!

(۳) في كلِّ مصاعب الحياة ألجأت إلى ربِّي حتى يُساعدني!

(۴) سألجأ إلى ربِّي في جميع مصاعب حياتي حتى يُساعدني!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در تمام: «فی جميع» / سختی‌های زندگی‌ام: «مصائب حياتي» / پروردگارم: «ربِّي» / پناه

خواهم برد: «سألجأ» / تا کمکم کند: «حتى يُساعدني»

عَيْنَ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«تَكَلَّمُوا تَعْرِفُوا!» عَيْنَ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ:

(۱) تا نیک ندانی که سخن عین صواب است / باید که به گفتن دهن از هم نگشایی

(۲) جز به راه سخن چه دانم من / که حقیری تو یا بزرگ و خطیر

(۳) تا مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد

(۴) إِنْ الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتِ لِسَانِهِ!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه: «سخن بگویند تا شناخته شوید.» یعنی نحوه سخن گفتن هر فرد می تواند

نشان دهنده شخصیت او باشد. این مفهوم در گزینه (۱) دیده نمی شود.

عَيْنَ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ الصَّحِيحِ:

(۱) قَدْ زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَذَّرٍ! : خداوند آسمان را با ستاره‌هایی مانند مروارید زینت داده است!

(۲) أَحَبُّ الْفَرِيقِ الْأَقْوَى، لَيْتَ أَحَدٌ مِهْجَمِيهِ يَسْجَلُ هَدَفًا! : تیم قوی را دوست دارم، کاش یکی از مهاجمانش گلی را ثبت کند!

(۳) بَعْضُ أَشْجَارٍ تَنْبَتُ فِي الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِاللْتِفَافِ حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ أُخْرَى! : بعضی از درختان در جنگل‌های استوایی می‌رویند در حالی که زندگی خود را با در هم پیچیدن دور تنه یک درخت دیگر آغاز می‌کنند!

(۴) مِنْ أَمَمٍ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا قَدْ يَبْلُغُ قَطْرُهَا تِسْعَةَ أَمْتَارٍ! : از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت این است که قطر آن گاهی به نه متر می‌رسد!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): مانند مرواریدها

گزینه (۲): قوی (قوی‌تر)

گزینه (۳): بعضی از درختان ... (بعضی از درختانی که در ...) / در حالی که (اضافی است.)

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.
عَيْنَ الصَّحِيْحِ:

(۱) هذه البرامج تساعدنا على أعمالنا الدراسية! : این برنامه ما را در کارهای درسی مان یاری می کند!

(۲) قد يملأ المتفرجون المقلب قبل بداية المباراة! : گاهی تماشاچیان قبل از شروع مسابقه ورزشگاه را پر می کنند!

(۳) «لا تقف ما ليس لك به علم» : نباید از چیزی که نسبت به آن دانش نداری پیروی کنی!

(۴) عودت لسانی لین الكلام! : زبانم را به سخن نرم عادت دادم!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): برنامه (برنامه‌ها) / گزینه (۳): نباید پیروی کنی (پیروی نکن) / گزینه (۴): سخن نرم (نرمی سخن)

عَيْنَ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ الصَّحِيحِ:

(۱) سَمَكَةُ السَّهْمِ تُطَلِّقُ قَطْرَاتِ الْمَاءِ مُتَتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا! : ماهی تیرانداز قطره‌های آب را به صورت پی در پی از دهانش رها می‌کند!

(۲) سَمَكَةُ التِّيَلَابِيَا مِنْ أَعْرَابِ الْأَسْمَاكِ الَّتِي تُدَافِعُ عَنْ صِغَارِهَا! : ماهی تیلاپیلا ناشناخته‌ترین ماهی است که از بچه‌هایش دفاع می‌کند!

(۳) تَبْلَعُ هَذِهِ السَّمَكَةَ صِغَارُهَا عِنْدَ الْخَطَرِ وَ تُخْرِجُهَا بَعْدَ زَوَالِهِ! : این ماهی بچه‌هایش را هنگام خطر می‌بلعد در حالی که بعد از برطرف شدنش آن‌ها را بیرون می‌آورد!

(۴) تَحِبُّ بَعْضُ الْأَسْمَاكِ أَنْ تَأْكُلَ الْفَرَائِسَ الْحَيَّةَ! : برخی ماهی‌ها دوست دارند شکارها را زنده بخورند!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. اشتباهات سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): «مِنْ» (ترجمه نشده است.) / ماهی («الأسماك» جمع است.)

گزینه (۳): جمله حالیه نیست (ترجمه صحیح: این ماهی بچه‌هایش را هنگام خطر می‌بلعد و آن‌ها را بعد از برطرف شدنش خارج می‌کند.)

گزینه (۴): «الحيّة»: صفت (شکارهای زنده)

عَيْنَ الْأَصْحَ وِ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«أَتَمَنِّي أَنْ أُسْتَطِيعَ صُعُودَ قِمَّةِ ذَلِكَ الْجَبَلِ الْمَرْتَفِعِ وَ لَكِنِّي رَجُلِيٌّ تُؤَلِّمَانِنِي!»:

(۱) آرزو می‌کنم که بالا رفتن از آن کوه بلند را بتوانم، ولی پایم درد می‌کند!

(۲) آرزو داشتم که از قله آن کوه مرتفع بالا بروم، ولی پاهای من درد دارد!

(۳) آرزو دارم که بتوانم به قله آن کوه مرتفع صعود کنم، ولی پاهایم درد می‌کند!

(۴) امیدوارم که بتوانم از قله کوه بلندی بالا بروم، ولی پای من درد می‌کند!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «أَتَمَنِّي»: آرزو دارم / «أَنْ أُسْتَطِيعَ»: که بتوانم / «صُعُودًا»: بالا رفتن، بالا بروم / «ذَلِكَ

الْجَبَلِ الْمَرْتَفِعِ»: آن کوه بلند / «رَجُلِيٌّ»: پاهای من (رَجْلَيْنِ + ي) / «تُؤَلِّمَانِنِي»: درد می‌کند

نکته: امیدوارم ← به عربی أرجو

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«رَأَيْتَ شَجَرَةً، كَانَتْ الشَّجَرَةُ مَعْمَرَةً وَ لَهَا رَائِحَةٌ تَهْرَبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ.» عَيْنَ الْخَطَأِ:

(۱) درختی را دیدم، آن درخت کهنسال بود و بویی داشت که حیوانات از آن فرار می کردند!

(۲) یک درخت را دیدم، درخت کهنسال بود و بویی داشت که حیوانات از آن فرار می کردند!

(۳) درختی را دیدم، آن درخت کهنسال بویی داشت که حیوانات از آن فرار می کردند!

(۴) یک درختی را دیدم، آن درخت کهنسال بود و بویی داشت که حیوانات از آن فرار می کردند!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. آن درخت کهنسال (آن درخت کهنسال بود.)